

اجتماع پژوهشی: روشی کاربردی برای ترویج روح پژوهش گری در دانش آموزان و دانشجویان

دکتر یحیی قانیدی^۱

ما همواره از دانش آموزان و دانشجویان انتظار داریم که پژوهش کنند و تصور می کنیم با ارایه یک یا چند واحد درسی در مدرسه و دانشگاه آنها باید چنین توانایی پیدا کنند. گرچه هنوز خصوصیت پژوهشگرانه فردی بر این درس حاکم است که آنها چندان نتیجه بخش نبوده است، اما ما انتظار داریم آنها به کمک یکدیگر پژوهش کنند. راستی وقتی ما فضایی برای پرورش چنین روحیه ای تدارک ندیده ایم، چگونه چنین انتظاری داریم؟ اخیراً و بویژه در قالب برنامه فلسفه برای کودکان، اجتماع پژوهشی، راهی برای غلبه بر این مشکل دانسته شده است. اجتماع پژوهشی از دو ویژگی بنیادی برخوردار است که از خود این عبارت ناشی می شود. یکی اجتماعی بودن است که بر این ادعای اساسی استوار است؛ جهان دیگر تنها با ابداعات پژوهشگران فردی به پیش نمی رود. دیگر نمی توان انتظار داشت انبوه شهروندان تماشاگر باشند و عده کمی بازیگر. پس همه مردمان باید پژوهش کنند. و دیگری، ناچار اگر قرار باشد همه مردم چنین کنند باید یاد بگیرند به صورت اجتماعی پژوهش کنند. مراد از پژوهش در اجتماع پژوهشی تنها گسترش مرزهای دانش علمی محض نیست بلکه گسترش مرزهای زندگی خوب نیز هست. تنها کاوش در علم نیست بلکه در فلسفه و هنر نیز هست. در این سخن کوتاه مروری بر اصول و قواعد اجتماع پژوهشی خواهد شد و تمرینهایی عملی برای انجام آن توسط معلمان و پژوهشگران طراحی شده است. گرچه بسیار دشوار است که اصول و قواعد اجتماع پژوهشی را از هم جدا ساخت، زیرا آنها در هم تنیده هستند، اما تلاش می شود ابتدا اصول کلی بیان شود و سپس در قواعد، بحثی صورت گیرد.

^۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی

اصل چیست؟ در اینجا منظور از اصلی چیزی است که اگر وجود نداشته باشد، آن کار فعالیت یا مفهوم معنای خود را از دست می دهد و دیگر معنایش کامل نخواهد بود. اصل در اینجا دو ویژگی عمده دارد ۱. عمومی بودن و همیشگی بودن. عمومی بودن یعنی اینکه بر تمام جوانب آن مفهوم یا فعالیت حاکم باشد و همیشگی بودن یعنی اینکه در تمام لحظات حضور داشته باشد.

قاعده یا قانون یا رویه: قواعد، روند ها یا رویه هایی است که بر عملی حاکم اند و آن عمل را هدایت می کند و در عین حال به گارگزاران آن کمک می کنند تا هویت و معنای آن را حفظ کنند. قاعده از درستی انجام چیزها حفاظت می کنند.

اصول کلی حاکم بر اجتماع پژوهشی

۱. *اجتماعی باشد.* یکی از جنبه های متمایز کننده اجتماع پژوهشی با شیوه سنتی تدریس، جنبه اجتماعی آن است. در شیوه سنتی گرچه تعدادی از شاگردان در کلاس درس گرد هم می آیند اما مگر اتفاقی، اجتماعات شکل نمی گیرد زیرا شاگردان با هم کاری ندارند و همه تنها با معلم کار دارند و معلم نیز با همه به صورت یک جمع کار ندارد بلکه با تک تک آنها کار دارد. شاگردان به تنهایی گوش می دهند، فکر می کنند و پاسخ می دهند.

۲. *پژوهشی باشد.* در اجتماع پژوهشی دیگر آن هجوم سنیگن محتوای مسلم پنداشته شده وجود ندارد. بلکه تردید و پرسش در باره ادعا های گوناگون علمی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی و هنری آغازی است برای کاوش. دانش آموزان و دانشجویان طبقه بندی های گوناگون علمی و ادعا های بزرگ فلسفی را مورد پرسش قرار می دهند و اگر نتوانند نظریه تازه بیاوند، از این راه آنرا بهتر می فهمند و ممکن است زمینه ای بشود برای شکل گیری زمینه های پژوهشی مورد علاقتشان در آینده. آنها حتا وقایع زندگی روزانه را نیز به پرسش می گیرند و آنرا به موضوعی برای گفتگوی کاوش گرانه اجتماع پژوهشی تبدیل می کنند.

۳. *دموکراتیک باشد.* برای اینکه شهروندان نظام آموزشی بتوانند به صورت جمعی کاوش کنند. باید بیاموزند که به شیوه ای دموکراتیک با هم کار کنند. ادعا ها، افکار، ایده ها دلایل باید به صورت جمعی مورد بررسی و ارزیابی قرار

گیرد. هیچکس قبل از ارزیابی حق ویژه ای ندارد و هیچکس بهتر و بیشتر از دیگران نمی داند مگر اینکه به شیوه ای دموکراتیک و از راه استدلال بتواند ادعای خود را به دیگران بقبولاند.

۴. مبتنی بر گفتگو باشد. هیچ راه جمعی به جز گفتگو برای شنیدن ایده های دیگران و واکنش نسبت به آن وجود ندارد. از راه گفتگو کردن است که یادگیرندگان تشویق می شوند ایده های خود را بیان کنند و دیگران برانگیخته می شوند که آن ایده ها را با ایده های خود مقایسه کنند. آنها یا شگفت زده می شوند که چقدر ایده های دیگران شبیه ایده های آنان است و یا برانگیخته می شوند تا نشان دهند که ایده بهتری دارند. درخشان ترین شعله های پژوهش از ذهن های شگفت زده و برانگیخته بیرون خواهد آمد.

قواعد حاکم بر اجتماع پژوهشی

برای استقرار یک اجتماع پژوهشی نیاز است قواعدی را در نظر آورد:

۱. نحوه نشستن. نشستن باید به گونه ای باشد که به یاد گیرندگان و تسهیلگران اجازه دهد اصل های اجتماع پژوهشی را اعمال کنند. نشستن به شیوه استبدادی که بیشتر برای سخنرانی یکطرفه و القا عقاید مناسب است به کار کاوشگری جمعی نخواهد آمد. نشستن باید بگونه ای باشد که اعضا ارتباطی صورت انسان کارایی ذاتی خود را باز یابند. شاگردان باید بتوانند همدیگر را ببینند، احساسات یگدیگر که در صورت انسان باز تابانده می شود را تشخیص دهند. و همه چیز را در پشت کله هم کلاسی های خود جستجو نکنند.

۲. وضع قواعد. برای پیشبرد جلسه اجتماع پژوهشی برخی قواعد لازم است. بهتر است آنها به شیوه ای دموکراتیک وضع شوند. برخی از آنها عبارتند از دقیق گوش دادن، احترام گذاشتن، کوتاه گفتن، اجازه گرفتن و ...

۳. مشارکت. همه باید در اجتماع پژوهشی مشارکت کننده باشند. چون کلاسهای سنتی، کل فعالیت ها نباید بر دوش یک یا چند نفر باشد. می توان قواعدی را برای گسترش مشارکت به شیوه ای دموکراتیک وضع کرد. چون هموراه افرادی را برای پاسخ دادن انتخاب کنید که تاکنون صحبت نکرده اند یا کمتر مشارکت کرده اند.

۴. خلاصه صحبت کردن. وقتی شما خیلی صحبت می کنید در واقع به مردم این فرصت را می دهید تا به شما گوش ندهند. مردم را گیج می کنید تا نتوانند تشخیص دهند حرف اصلی شما چیست. در چنین وضعی اگر هم کلاسی های

شما بخواهند واکنش نشان دهند آنها هم زیاد صحبت خواهند کرد آنگاه نوبت شماست که گوش ندهید و نفهمید. تصور کنید چنین کلاس هایی را در کجا مشاهده می کنید؟ بیشترین کسانی که در کلاسهای درس مدرسه و دانشگاه صحبت می کنند، چه کسانی هستند؟

۵. احترام. رعایت حرمت سایر یادگیرندگان از شروط اساسی است. این باید به تدریج به اصلی انسانی تبدیل شود و زمانی رخ می دهد که درک کنید دیگران به اندازه شما ادعا و استدلال دارند و هیچکس بر تر از دیگری نیست و شما تنها کسی نیستید که حق دارید ادعاهایتان را بیان کنید.

۶. گوش دادن. گوش دادن عصاره بنیادی فضایل انسانی است باید گوش دهیم تا بفهمیم. اگر نفهمیم گفتگو صورت نمی گیرد و در این صورت کاوشگری اجتماعی پدیدار نخواهد شد.

۷. دلیل آوردن. شما نمی توانید تنها ادعا کنید. برای اینکه ادعایتان پذیرفته شود لازم است دلیل بیاورید و دلایلتان باید قوت داشته باشد اگر دیگران دلایل بهتری دارند شما باید آنها بپذیرید. شما نباید تنها به صورت عاطفی به ادعا و دلایلتان وابسته شوید.

قواعد مربوط به تسهیل گر (آموزگاران و استادان)

آموزگاران و استادانی که مایلند اجتماع پژوهشی را به پیش ببرند باید برخی توانایی ها را در خود ایجاد کنند که مقداری با توانایی سنتیشان تفاوت دارند و برخی توانایی های سنتی در کار اجتماع پژوهشی اختلال ایجاد میکند برخی از آنها عبارتند از:

۱. آمادگی. از پیش باید آماده بود. این آمادگی مربوط به تنها معلومات داشتن نیست. به لحاظ نگرشی و عاطفی نیز باید آماده بود. باید آماده بود که کمتر سخنرانی کرد. باید پذیرفت که مشارکت کنندگان در اجتماع پژوهشی هم ایده هایی دارند که حتما ممکن است متفاوت تر از ایده های شما باشد.

۲. عدم تحمیل نظرات خود. تسهیلگر نباید از پیش باوری داشته باشد که قصد دارد آن را به یادگیرندگان تحمیل کند. در این صورت به گفتگو و پژوهش احتیاج نیست.

۳. رعایت عدالت. تسهیلگر باید بتوان میزانی از عدالت را بین یادگیرندگان رعایت کند نه اینکه تنها موافقان ایده هایش را پر و بال دهد.

۴. رعایت احترام. احترامی عمیق و اساسی به انسان باید به تدریج در ذهن تسهیلگر نسبت یادگیرندگان پدید آید. تا زمانی که شما فکر می کنید شاگردان ذهن هایی تهی دارند، یا مدام می خواهند از زیر کار در برونند، یا شما بهتر از همه آنها هستید برای تسهیلگری مناسب نیستید.

اکنون تصور کنید می خواهید برای عده ای از آموزگاران و استادان همین اجتماع پژوهشی را به شکل اجتماع پژوهشی آموزش دهید، برای آماده کردن طرح درسی برای آن، به ترتیب می توانید اقدامات زیر را انجام دهید:

استخراج ایده ها: شما به محرک هایی برای بحث احتیاج دارید. پرسش می تواند یکی از آن محرک ها باشد (داستان، فیلم، مفاهیم، گزارش، عکس... سایر مواردند). شما می توانید این پرسش را مطرح کنید: به عبارت اجتماع پژوهشی فکر کنید و مهمترین مفاهیم مربوط به آن را استخراج کنید؟ (برخی ایده های احتمالی در زیر آمده است)

اصل، قاعده، اصول اجتماع پژوهشی، قواعد اجتماع پژوهشی، کشف قواعد، وضع قواعد، مقاومت در برابر قواعد، تحول قواعد

طرح بحث: هر مفهوم پیشنهادی در مرحله یک، که می تواند توسط یادگیرندگان پیشنهاد شود، این امکان را دارد که یک طرح بحث برای آن نوشته شود. مراد از طرح بحث طرح برخی پرسش های اساسی در باره آن است. به عنوان نمونه مفهوم اصل و قاعده را در نظر آورید. می توان چنین پرسش هایی را مطرح کرد:

۱. اصل چیست؟ آیا چیزها باید اصل داشته باشند؟ اصلها از کجا می آیند؟ آیا اصلها کشف می شوند یا وضع؟

۲. قاعده چیست؟ آیا قاعده همان قانون است؟ قاعده با اصل چه تفاوتی دارد؟

۳. آیا گرد هم آمدن نیازمند اصولی است؟

۴. مشکلات اجتماعات تا چه اندازه مربوط قواعدی است که آنها وضع کرده اند؟

۵. مشکلات اجتماعات تا چه اندازه مربوط به قواعدی است که وضع کرده اند؟

۶. آیا بر یاد گرفتن باید قواعدی حاکم باشد؟

۷. آیا قواعد و قوانین مخصوص اجتماعات است، یا بر رفتار فرد هم قواعدی حاکم است؟

۸. قاعده ها چگونه وضع می شوند؟

۹. اولین قاعده های حاکم بر زندگانی از کجا آمدند؟

۱۰. اعضای یک اجتماع چه نقشی در وضع یا کشف قواعد دارند؟

۱۱. چه اتفاقی می افتد که برخی قواعد تغییر می کنند؟

۱۲. چرا برخی افراد قواعد را رعایت نمی کنند؟

۱۳. بهترین شیوه برای وضع قواعد چیست؟

تمرین: برای عمیق ساختن تفکر در باره یک مفهوم، افزون بر بحث و گفتگو در بررسی پرسش های بالا، تمرین

هایی نیز تدارک دیده می شود. نمونه هایی از این تمرین ها زیر آورده شده است:

تمرین ۱: برخی گرد هم آیی ها و اجتماعات را در نظر آورده، فهرست نمایید و نشان دهید که چه اصول و قواعدی

بر آنها حاکم است. آن اصول و قواعد را به شیوه اجتماع پژوهشی در کلاس مورد بحث قرار دهید. می تواند فرایند

تشکیل یک اجتماع را در یک دوره زمانی در نظر آورد و نحوه تحول قواعد را مورد بحث قرار داد.

تمرین ۲: اجتماعی را در نظر آورید که هیچ قاعده و قانونی بر آن حاکم نباشد و سپس عواقب و نتایج آنها مورد بحث قرار دهید؟

قاعده	قواعدی که آشکار است	قواعدی که ضمنی است	قواعدی که بر سر آن توافق است	قواعدی که بر سر آن توافق نیست
صفور غیاب				
ورود به کلاس بر سر از معلم				
خروج از کلاس قبل از معلم				
خروج از کلاس بر اجازت				
صرف زدن با نفر کنار				
قبول در صورت گرفتن نمره ده				
مطالعه هفتگی				
مرتب بودن				

تمرین ۳: از طریق ترتیب دادن یک بازی می توانید به یادگیرندگان کمک کنید تا شرایط قاعده و قانون داشتن یا نداشتن را درک کنند. این بازی می تواند ایفای نقش باشد. مثلا اجرای نقش معلمی در کلاس که هیچ شاگردی گوش نمی دهد، همه با هم حرف می زنند، بی موقع و هر سوالی می پرسند، هر موقع دلشان خواست از کلاس خارج می شوند، معلم نیز هیچ قاعده ای بر رفتارشان حاکم نیست. می توان از قبل نقش ها به هر کدام از شاگردان واگذار کرد بدون اینکه شاگردان از نقش یکدیگر اطلاع داشته باشند

تمرین ۴: یک کلاس درس معمولی را در نظر آورید و قواعد و اصولی که بر آن حاکم است را در جدول زیر بنویسید. در مورد هر قاعده جدول را با علامت دلخواه تکمیل کنید و سپس بر سر آن بحث کنید. هر شرکت کننده می تواند

قاعده خود را داشته باشد. در هر مورد لازم است شرکت کنندگان معیار خود را نیز بیان کنند. مثلاً بر اساس چه معیاری آنها می گویند قاعده ای آشکار است یا بر سر آن توافق وجود دارد.

به نظر می رسد اگر آموزش به شیوه اجتماع پژوهشی بتوانند در مدارس و دانشگاهها استقرار یابد، می توان امیدوار بود که تحولی اساسی در نظام تربیت رخ دهد. برای اصلاح نظام آموزشی نباید تصور کرد که باید مدام به معلومات آموزشی افزود و یا بر به خاطر سپردن آن پای فشرد. مشکل نظام آموزشی فقدان استقرار مهارت ها و فرایندها در یادگیرندگان است. و اگر یادگیرنده مهارت نداشته باشد نگرشی نیز نخواهد داشت. زیرا ما چیزی را دوست خواهیم داشت که بتوانیم انجامش دهیم. فقدان مهارت در اجتماع کاوش گر منجر به عدم علاقمندی عاطفی به پژوهش بطور کلی می شود.